

تربیت در سند تحول بنیادین

مجتبی دهدار^۱، عبدالله عالی شیرمرد^۲

- ^۱ دانشجوی دکتری علوم تربیتی گرایش برنامه ریزی درسی دانشگاه ازاد واحد اراک.
^۲ دانشجوی دکتری علوم تربیتی گرایش برنامه ریزی درسی دانشگاه ازاد واحد اراک.

نام نویسنده مسئول:
مجتبی دهدار

چکیده

سند تحول بنیادین باهدف تحولی زیربنایی دراموزش و پرورش بدليل عدم ابتناء سیستم اموزش و پرورش برفلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و برای نیل به اهدافی ازجمله تربیت باورعمیق به اسلام و اندیشه ها و ارزش های والا و درنهایت دستیابی به چشم انداز و اهداف تعلیم و تربیت درافق ۱۴۰۴ طراحی شده است ازانجا که متفکرین اسلام اصول و مبانی اندیشه های عقلی خودرا با مبانی دینی قران و سنت تطبیق داده اند و هدف نهایی سند تحول بنیادین نیز دستیابی به پرورش یافتنگانی باشایستگی ها و توامندی های اعتقادی برمبنای فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی است لذا مقایسه و تطبیق دوباره سند تحول بنیادین بامبانی اندیشه های متفکران اسلامی روشنگر مسیر پیشروی سند تحول بنیادین اصلاح خلاء های احتمالی و درنهایت تقویت بنیانهای نظری سند خواهد شد دراین راستا پژوهش حاضر به بررسی تربیت ازمنظر سند تحول بنیادین اموزش و پرورش می پردازد درستند تحول بنیادین دراستای رویکرد جامع و متوازن مفهوم تربیت به جای تعلیم و تربیت استفاده شده است و تعلیم ازمقتضیات تربیت بر Shermanه شده است تعلیم و تربیت دراسلام اعم مطالب را به تربیت اختصاص داده و به تعلیم کمتر پرداخته است.

وازگان کلیدی: تربیت، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ، حیات طیبه، تعلیم

مقدمه

تحقیق ارزش‌ها و آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی مستلزم تلاش همه‌جانبه در تمام ابعاد فرهنگی، علمی، اجتماعی و اقتصادی است. احراز عرصه تعلیم و تربیت از مهمترین زیرساخت‌های تعالی پیشرفت همه‌جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقاء سرمایه انسانی شایسته کشور در عرصه‌های مختلف است. به این ترتیب تحقق آرمان‌های متعالی انقلاب اسلامی ایران مانند احیای تمدن عظیم اسلامی، حضور سازنده، فعال و پیشرو در میان ملت‌ها و کسب آمادگی برای برقراری عدالت و معنویت در جهان در گرو تربیت انسان‌های عالم متقدی و آزاده و اخلاقی است. تعلیم و تربیتی که تحقق بخش حیات طبیه، جامعه عدل جهانی و تمدن اسلامی ایرانی باشد در پرتو چنین سرمایه انسانی متعالی است که جامعه بشری آمادگی تحقق حکومت جهانی انسان کامل را یافته و در سایه چنین حکومتی ظرفیت و استعدادهای بشر به شکوفایی و کمال خواهد رسید.

تحقیق این هدف نیازمند ترسیم نقشه راهی است که در آن نحوه طی مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات در این مسیر به صورت شفاف و دقیق مشخص شده باشد.

تعريف تربیت

تربیت عبارت است از فرایند تعاملی زمینه ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متریبان، به صورتی یک پارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیرآماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طبیه در همه ابعاد.

تعريف تربیت در سند تحول بنیادین

در پیشینه علمی و فرهنگی ما از گذشته‌های دور واژه "تربیت" شامل ابعاد واجزای فرایندی است که زمینه تحول اختیاری و آگاهانه آدمی را فراهم می‌کند. لذا نه تنها لحظه گستره مفهومی نیاز به واژه مکملی مانند تعلیم ندارد، بلکه به نظری رسانستفاده از هرگونه واژه ای در عرض این کلمه به صورت ترکیب عطفی موجب موهوم تقلیل این مفهوم گسترده به بخش هایی از آن و نیز باعث نگرش تفکیکی به این فرایند یک پارچه و درهم تنیده خواهد شد. براساس نگرش اسلامی این مفهوم دربردارنده تمام اقدامات و تدبیری مانند: تمهید شرایط محیطی، تادیب، تزکیه، تعلیم، مهارت آموزی، تذکر و موضعه است که باید در راستای هدفی واحد یعنی شکل گیری و تعالی شخصیتی یک پارچه و توحیدی به طور سنجیده و مرتبط، هماهنگ و درهم تنیده سامان یابند. چنان که در منابع تربیتی غرب نیز واژه Education از چنین شمولی برخوردار است.

بنابراین مراد از واژه تربیت در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش همان معنای عام و جامع و معادل اصطلاح رایج "تعلیم و تربیت" است و نه معنای خاصی که در مقابل اموری نظیر تعلیم و تدریس در نظام آموزشی فعلی که صرفاً ناظر به فعالیتهای پرورشی مکمل و فوق برنامه درسی یا جنبه‌های اخلاقی، نگرشی و عملی مطرح است. پس مفهوم مدنظر از کلمه "تربیت" عبارتست از: فرایندی جامع شامل تمام تلاشهای زمینه ساز تحول اختیاری و آگاهانه آدمی که به صورت امری واحد و یک پارچه و درهم تنیده، با تحول تمام ابعاد وجودی انسان به مثابه یک کل سروکاردار است.

مبانی اساسی تربیت

مبانی تربیت از هستی جهان و انسان و نیز از جایگاه و موقعیت شایسته آدمی در هستی (یعنی نسبت او با خالق هستی و دیگر موجودات، وضعیت مطلوب زندگی انسان، وغایت آنها، سرمایه‌ها، امکانات، توانایی‌ها، ظرفیت هاضم‌ها و محدودیتها) و نیز از قوانین، سنت‌ها، ضرورت‌ها و شرایطی بحث می‌کند که حیات انسان و نحوه تحول در آن را تحت تاثیر قرار می‌دهند و یا تصویری از واقعیات تربیتی و نحوهٔ تغییر و تحول در آن‌ها را ارایه می‌کند که براین اساس انواع گزاره‌های تجویزی درباره تربیت شکل می‌گیرد و قابل تایید و اجرا می‌شوند.

به طور کلی می‌توان مبانی تربیت را به لحاظ محتوا و نقش آفرینی به سه بخش تقسیم کرد:

۱. بعضی از مبانی تربیت از سخن قضاایی فلسفی هستند که در جهان بینی و نظام ارزشی معتبر و مقبول جامعه یا به عبارت دیگر در دین و ایدئولوژی مورد پذیرش آن اجتماع الموری مسلم و مفروض است.

۲. برخی دیگر از مبانی تربیت، گزاره‌های توصیفی تبیینی یا تجویزی هستند که از علوم تجربی و کاربردی مرتبط با تربیت سرچشمه می‌گیرند (یعنی علوم دارای نتایج قابل آزمون توسط تجربه، نظری جامعه شناسی تربیتی، روان‌شناسی تربیتی، مدیریت آموزشی، برنامه ریزی

درسی، تکنولوژی آموزشی و اقتصادآموزش و پرورش، می‌توان یافته رشته‌های علمی دیگر، نظیر علوم سیاسی، زبان‌شناسی، مردم‌شناسی و حتی زیست‌شناسی و عصب‌شناسی را به نتایج این دانشها افزود.

۳. هم چنین تحقق فرایند تربیت در اشکال رسمی در هر جامعه به لحاظ جنبه اجتماعی آن به ناچار مستلزم پذیرش مجموعه‌ای از گزاره‌های تجویزی با ماهیت سیاسی یا حقوقی است، که در قالب قانون اساسی یا قوانین موضوعه (یا قوانین و معاهدات بین‌المللی مورد توافق) پذیرفته شده است.

جایگاه تربیت

تربیت، محور اساسی ارتقای حیات آدمی است و در نتیجه، باید مصالح تربیتی در تمام تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، مورد تأکید قرار گیرد و کمک به فرایند تربیت، مهم ترین معیار در سیاست‌گذاری‌ها و تعیین اولویت‌های اجتماعی محسوب گردید.

غایت، نتیجه و هدف تربیت

می‌توان گفت که از منظر اسلامی، تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، غایت مشترک تمامی نهادها و عوامل اجتماعی و مقصود نهایی همه فعالیت‌های فردی و جمعی برای حرکت در مسیر کمال شایسته انسان قرب الی الله است. نتیجه فرایند تربیت امده شدن افراد جامعه برای تحقق اگاهانه و اختیار مراتب حیات طیبه در همه ابعاد در مسیر قرب الهی است.

منابع و مراجع

- [۱] سند تحول بنیادین در اموزش و پرورش مصوب شورای عالی انقلاب اسلامی ۱۳۹۰
- [۲] (مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران)